

A look at the spread of Shiism in Rey and the station of blessed monuments and places in the city of Rey

Hosein Kavoshi¹

Abstract

Rey is one of the oldest cities in the world and Iran. So that this area was called "Sheikh Albelad" in the past. The history of the creation of Rey dates back to the time of the Aryan tribes, and Rey was bigger than all the cities of Maad. Rey literally means royal city. Residents and people of Rey are called Razi. Rey was the capital of Iran in part of the Ziyarian and Saljuk periods. This city has been called by different names throughout history. Raks, Raz, Rags, Raga, Raghah, Arashkiyeh, Ragu, Ragya, Ragyana, Ram Ardeshir, Omm al Belad, Rey Shahr, Sheikh Al Belad and Mohammadiyah were some of the names that Rey has been called with one of these names in every period. According to what is mentioned in Vendidad, Rey is the 13th city built in the world. The date of residence in this city goes back to 6000 years BC. Rey was always considered one of the important cities of ancient Iran and was the capital of ancient Iran in periods. Based on the latest accurate geographical data, the length of Rey city is 14 km. In the 4th century of Hijri, this city was the largest of the four centers of Jebal province. Ibn Hawqal says: After Baghdad, there is no city in the east more prosperous than Rey, except that the area of Nishabur is more than it.

Keywords: Blessed places, Shahr Rey, shiism.

The first year|

Number two|

Winter 2023|

1.The responsible director of the Islamic Revolution History Studies Department at the Islamic Revolution Documentation Center

انتشار المذهب الشيعي في الري و البقاع و أماكن شهرى المباركة

حسين كاوشى^١

الخلاصة:

رى هى واحدة من أقدم المدن فى العالم و إيران. و قد دفع عمر هذه المدينة المديد إلى تسميتها بـ «شيخ البلد» أو «أم البلد» فى المصادر التاريخية. بعد وصول الإسلام إلى إيران تدريجياً و بعد التطورات الدينية تم الاعتراف بمدينة الري كأحد المراكز الهامة للمذهب الشيعي فى إيران. تسببت ذلك فى وجود اضرحة العديد من اولاد الأئمة فى هذه المدينة و أصبحت واحدة من مدن الزيارات المهمة فى إيران. من الأماكن المباركة فى شهرى: ضريح حضره عبد العظيم الحسنى عليه السلام و ضريح ابن الامام حمزه، و ضريح ابن الامام طاهر، و ضريح ابن الامام عبدالله، و ضريح ابن الامام هادى، و ضريح ابن الامام أبو الحسن، و ضريح ابن بابويه.

فى البحث الحالى تم التحقيق بالمنهج «التحليلى و التاريخى» من كيفية انتشار المذهب الشيعي بين أهل الري مما حولها إلى واحدة من أهم مدن التشيع فى إيران و الأماكن المباركة الكثيرة التى توجد فى هذه المدينة و انتسابهم للشيعه من علامات مكانه هذه المدينة فى تاريخ الشيعه.

الكلمات المفتاحية: التشيع، البقاع و الأماكن المباركة، شهر رى، حضره عبد العظيم الحسنى عليه السلام



فصل نامه
علمى
مطالعات
بقاع و
امكان
متبركه

١ - ماجستير فى التاريخ من جامعه الشهيد بهشتى

گسترش تشیع در ری و جایگاه بقاع و اماکن متبرکه شهری

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۳/۳۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۰/۱۲

حسین کاوشی^۱

چکیده

ری یکی از کهن‌ترین شهرهای جهان و ایران است. قدمت زیاد این شهر باعث شده تا در منابع تاریخی از آن به‌عنوان «شیخ‌البلاد» یا «ام‌البلاد» نام برده شود. پس از ورود اسلام به ایران، به تدریج و پس از تحولات مذهبی، شهری، به‌عنوان یکی از مراکز مهم تشیع در ایران شناخته شد. این مسئله باعث شد تا مرقد تعداد زیادی از امام‌زادگان در این شهر باشد و به‌عنوان یکی از شهرهای مهم زیارتی در ایران تبدیل شود. مرقد حضرت عبدالعظیم حسنی علیه السلام، مرقد امام‌زاده حمزه، مرقد امام‌زاده طاهر، مرقد امام‌زاده عبدالله، مرقد امام‌زاده هادی، مرقد امام‌زاده ابوالحسن و بقعه ابن بابویه از جمله بقاع و اماکن متبرکه شهری هستند.

تحقیق حاضر در پی آن بوده است که با روشی «تحلیلی و تاریخی» چگونگی گسترش تشیع در میان مردم شهری تبدیل آن به یکی از شهرهای مهم تشیع در ایران را مورد بررسی قرار دهد و بقاع و اماکن متبرکه بسیاری که در این شهر قرار دارند و متعلق به شیعیان هستند به‌عنوان نشانه‌های جایگاه این شهر در تاریخ تشیع معرفی کند.

کلیدواژه: تشیع، بقاع و اماکن متبرکه، شهر ری، حضرت عبدالعظیم حسنی علیه السلام

مقدمه

ری، از شهرهای مذهبی و زیارتی ایران که از دوران باستان تا قرن ششم هجری، جایگاه مذهبی و سیاسی داشته است؛ این شهر پایتخت مذهبی زرتشتیان، پایتخت تابستانی اشکانیان و سرانجام در عصر اسلامی، پایتخت آل بویه و سلجوقیان بوده و پس از آن، به تدریج از اهمیت آن کاسته شده است. ری امروزه به دلیل وجود حرم عبدالعظیم حسنی و دیگر بقاع متبرکه در آن، مورد توجه است. منابع مختلف تاریخی، ورود اسلام به ری را در دوره خلافت عمر بن خطاب و منابع معدودی، در زمان خلیفه سوم دانسته‌اند؛ یعنی بین سال‌های ۱۸ تا ۲۴ هجری. (مدرس تبریزی، ۱۳۶۹، ج ۶: ۱۰۷) مردم ری در دوره حکومت امویان، گرایش‌های ضد شیعی داشتند و در تسنن خود، متعصب بودند، به گونه‌ای که اسکافی ری را در کنار شام و بصره، از جمله شهرهای ضد علوی دانسته است. (اسکافی، ۱۴۰۲: ۳۲) علت گرایش‌های ضد علوی آن‌ها وجود حاکمان ناصبی مذهبی همچون کثیر بن شهاب و تبلیغات ضد شیعی آن‌ها بود. وی در دو دوره، یک‌بار در عهد خلافت عمر بن خطاب (بلاذری، ۱۳۶۴: ۴۴۷) و بار دیگر در زمان خلافت معاویه، والی این منطقه بود و بر فراز منبر ری، امیرالمؤمنین علیه السلام را دشنام می‌داد. (ابن اثیر، ۱۴۰۷، ج ۳: ۴۷۶-۴۷۷) با این حال، نباید فراموش کرد که حتی در زمان امویان، برخی از دوستان اهل بیت علیهم السلام در این شهر بوده‌اند. آشنایی مردم این دیار با تشیع به دوران پس از پایان یافتن حکومت امویان و حذف فشار بر محدثان بازمی‌گردد که به تدریج، زمینه آشنایی مردم ری با مکتب اهل بیت علیهم السلام فراهم آمد. (جعفریان، ۱۳۸۲، ج ۱: ۳۴۲) ارتباط برخی از مردم ری با امامان شیعه بر این آشنایی افزود.

روند گسترش تشیع در ری در دو مرحله صورت گرفت: یکی دوره آشنایی مردم ری با مذهب تشیع، و دیگری دوره رسمیت یافتن این مذهب در ری. دو عامل مهم سیاسی و اجتماعی، در رونق و رسمیت یافتن مذهب تشیع در ری مؤثر واقع شد. حکومت به‌عنوان یک عامل «سیاسی» مهم به حمایت از این مذهب پرداخت که بازه زمانی آن با امارت ابوالحسن مادرانی و حمایت‌های وی از شیعیان و ترویج مذهب تشیع آغاز شد و با حکومت شاخه‌ای از بویه‌یان در ری رنگ بیشتری به خود گرفت. در این دوره، شیعیان وارد عرصه‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی شدند و زیر لوای حمایت‌های حکومت، به برگزاری مجالس علمی، مناظره‌های کلامی، نگارش کتاب و احیای شعائر شیعی همچون منقبت خوانی و ایجاد تحویل در منصب «نقابت»، به ترویج این مذهب پرداختند. عامل دوم (اجتماعی) نقش خود شیعیان (به‌ویژه امامی مذهب‌یان)، سیاست‌های رفتاری و نحوه تعاملاتشان با سایر گروه‌ها و مذاهب ساکن ری است که خود رمز ماندگاری آن‌ها در صحنه اجتماعی ری است. (میرزایی و بادکوبه‌ها، ۱۳۹۴: ۱۶۷-۱۸۶)

این شهر، به‌ویژه در دوره آل بویه، به لحاظ علمی و فرهنگی کمتر از بغداد و فارس نبود، به گونه‌ای که کانون توجه علمای بزرگی گردید که بدان سو مهاجرت کردند. ری برخلاف شهرهایی همچون قم، که می‌توان گفت به‌طور یکدست شیعه‌مذهب و پناهگاهی برای شیعیان بودند، از تنوع مذهبی و فکری برخوردار بود. شیعیان اثنا عشری، زیدی، اسماعیلی، حنفیان و شافعیان این شهر علاوه بر آن که از نظر فقهی جدای از یکدیگر بودند، به لحاظ فکری نیز با یکدیگر در تضاد بودند.

برقراری روابط مسالمت‌آمیز شیعیان، به‌خصوص امامی مذهب‌یان با سایر فرق و مذاهب ساکن

ری، از یک سو، ضامن بقا و حفظ حیات اجتماعی شیعیان بود، و از دیگر سو، این امکان را به شیعیان می‌داد که فعالیت‌های علمی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی خود را آزادانه انجام دهند. نفوذ مذهب تشیع در ری موجب شد که حمله سلطان محمود غزنوی به ری، که در ۴۲۰ ق به بهانه نابودی قرامطه این شهر اتفاق افتاد، و کتاب‌های معتزلی، نجومی، و فلسفی را سوزاند و کشتار شیعیان را در پی داشت، هرگز به حیات شیعیان در این شهر خاتمه ندهد، بلکه پس از آن، بنا به نقل النقص، شیعیان به احداث مدارس، کتابخانه‌ها و تألیف کتب کلامی در جهت دفاع از مبانی مذهب تشیع پرداختند. همچنین آن‌ها در دربار سلاجقه مناصب سیاسی را بر عهده گرفتند. (میرزایی و بادکوبه هزاوه، ۱۳۹۴: ۱۸۶-۱۶۷)

جغرافیای تاریخی ری

ری یکی از کهنترین شهرهای جهان است که از نظر قدمت با نینوا و بابل هم‌عهد بوده است و از نظر عظمت هم در دوره باستان و هم در دوران اسلامی - قبل از حمله مغول - از مهم‌ترین شهرهای ایران به شمار می‌آمده است و شهرهای اندکی با آن قابل‌مقایسه هستند. نام ری در فصل اول ونیدیداد که از کتابهای پنج‌گانه اوستاست جزء شانزده سرزمین محل سکونت آریایی‌ها و به صورت "رغه" ذکر شده است. پهنه شهر ری از نظر قدمت به دو بخش قابل‌تقسیم است. ری باستانی که در جنوب چشمه‌علی میان باروی عظیمی که در دوران پیش از اسلام احداث شده بود قرار داشت که آن را "ری برین" یا "ری علیا" می‌گفته‌اند و به تدریج از سوی جنوب شرقی گسترش می‌یافته و پیش می‌رفته است و بخش دوم که روی آن احداث شده در قرون بعد است و در جنوب شرقی بخش نخستین و جنوب کوه بی‌بی شهربانو پی افکنده شده بود و آن را "ری زیرین" یا "ری سفلی" می‌نامیده‌اند. (کریمان، ۱۳۵۴: ۱۶۷) داریوش هخامنشی نام ری را در کتیبه بیستون به صورت "رگا" آورده است و محدوده آن در دوره هخامنشی بین دربند (دروازه بحر خزر) و دریای خزر و ماد قرار داشته است ولی جزو ماد بزرگ به شمار می‌آمده است. (نهجیری، ۱۳۷۰: ۱۰۸) ماد بزرگ همان سرزمین جبال یا عراق عجم دوره اسلامی است. در دوره اسلامی هم جغرافیایان بسیاری متعددی که از ری دیدن کرده‌اند شرح‌هایی درباره آن نوشته‌اند. از جمله ابن حوقل در صورالارض آورده است: «در مشرق پس از بغداد شهری آبادتر از ری نیست حتی نیشاپور هم به پای ری نمی‌رسد. وسعت ری یک فرسخ و نیم در یک فرسخ و نیم است...». (همان) ری در دوران تاریخی پر سابقه خود اسمها و لقبهای متعددی داشته است. فهرستی از این اسمها که به استناد منابع قدیم و جدید در فرهنگنامه تطبیقی مکانهای جغرافیایی ارائه شده است. (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۳: ۹۵)

۱- فتح ری توسط مسلمانان

قدرت عظیم شاهنشاهی ساسانیان پس از جنگ نهاوند که عرب آن را فتح الفتوح نام نهاد، درهم شکست از آن پس تکلیف هر شهر به دست مرزبان آن افتاد. مرزبانی ری در این زمان به سپهبدی از خاندان بزرگ مهران در ری از فرزندان بهرام چوبین به نام «سیاوخش بن مهران بن بهرام چوبین»



واگذار شده بود. در نام سردار عرب که ری را گشود و نیز تاریخ این فتح اختلاف فاحشی در منابع موجود است. این واقعه را به تفاوت میان سال‌های ۱۸ تا ۲۴ هجری قمری ذکر کرده‌اند و ظاهراً قولی که طبری به آن اعتماد کرده صحیح‌تر بوده است. بر طبق نقل قول وی در ضمن وقایع سال ۲۲ هجری نعیم بن مقرن از واج رود^۱ رهسپار ری شد. ری به دست اعراب افتاد و نعیم امان‌نامه‌ای نوشت که مردم ری سالانه جزیه بدهند و عصبان نکنند. بلاذری ری را از جمله شهرهایی می‌داند که مردم آن با قبول جزیه و خراج بر مذهب خود باقی ماندند و آتشکده آن‌ها خراب نشد. (بلاذری، ۱۳۶۴: ۳۹۰)

۲- گسترش تشیع در ری

تحول مذهبی در شهر ری یک تحول تدریجی بوده است که طی هفت قرن به درازا کشیده است. این تحول از ناصبی‌گری آغاز و به تشیع امامی خاتمه یافته است. در تاریخ ایران و سایر شهرهای اسلامی تغییر مذهب از تسنن به تشیع و بالعکس داشتیم که در شرایط جبری به وجود آمده است. اما در شهر ری این رویداد تدریجی و بدون جبر بوده است. البته فشارهای فراوانی از ناحیه غزنویان و سلجوقیان بر شیعه وارد می‌شده است. با ورود اسلام به ایران و فتح آن، قبایل عربی در نقاط مختلف کشور استقرار یافتند. حاکمان شهرهای ایران از طرف دولت مستقر در مدینه و بعداً عراق و شام تعیین می‌شدند. در دوره ۹۰ ساله حکومت بنی‌امیه (۱۳۲-۴۱۰ ق.ه) حاکمان گرایش‌های اموی داشتند و می‌کوشیدند تا مردم ری بر اساس باورهای مذهبی خود تربیت کنند. از اخبار چندی به دست می‌آید که این تبلیغات ضد شیعی در ری مؤثر بوده است. (جعفریان، ۱۳۷۱: ۱۰-۷) آنچه به عنوان تشیع اصیل در اواخر قرن دوم هجری در ری پدید آمد، ارتباط برخی از مردم و ساکنان ری با امامان شیعه^۲ بود. نخستین روایتی که از این‌گونه تماس‌ها سخن گفته درباره ارتباط میان یکی از شیعیان ری با امام کاظم^۳ است. این روایت نشان می‌دهد که در این دوره حاکم ری نیز از شیعیان بوده و در پرده تقیه از شیعیان حمایت می‌کرده است. در عهد امام کاظم^۴ نظیر این قبیل نفوذها وجود داشته و ماجرای علی بن یقطین در دربار بنی‌عباس یکی از آن‌هاست. (همان، ۱۶) در میان اصحاب امام کاظم^۵ تنی چند وجود دارند که ملقب به رازی هستند این افراد به هر روی یا اهل ری بوده و یا چندی را در ری گذرانده‌اند و بدین جهت رازی نامیده شده‌اند. (خندان، ۱۳۷۳: ۳۹) در شمار یاران امام جواد^۶ نیز یکی محمد بن اسماعیل رازی بوده که از اهالی ری به شمار آمده و دیگری منصور بن عباس رازی که در بغداد ساکن بوده است. (همان، ۴۰-۳۹) کسانی از اصحاب امام هادی^۷ نیز ملقب به رازی بوده‌اند.

یکی از چهره‌های شاخص اصحاب ائمه، حضرت عبدالعظیم حسنی است که در شمار اصحاب امام رضا، امام جواد و امام هادی^۸ بوده و مورد تمجید فراوان قرار گرفته است. (جعفریان، ۱۳۷۱: ۱۹) بر اساس خبر منتقلة الطالبیة عبدالعظیم از طبرستان به ری آمده است. این سفر باید در دهه پنجم قرن سوم یعنی زمانی باشد که هنوز علویان در آن حدود قدرتی نداشته و عمال طاهری بر مردم ستم می‌کرده‌اند. (ابن طباطبا، ۱۳۷۷: ۱۵۷) آمدن حضرت عبدالعظیم به ری هم نشانه وجود تشیع در این

۱. محلی بین همدان و قزوین

شهر بوده و هم خود زمینه‌ای برای رشد دعوت شیعی شده است. بعد از رحلت آن بزرگوار مزارش برای شیعیان مرکزیتی یافته و در جذب شیعیان دیگر نواحی به سوی ری مؤثر بوده است. یکی از مهم‌ترین دلایل ارتباط امامان با شیعیان ری و نیز کثرت شیعیان، وجود یکی از وکلای حضرت صاحب‌الامر علیه السلام در ری است. طبعاً او با واسطه و از سوی یکی از نواب اربعه مسئولیت چنین کاری را بر عهده داشته است. این شخص ابوالحسین محمد بن جعفر اسدی (م. ۳۱۲) است. صالح بن ابی صالح می‌گوید: در سال ۲۹۰ برخی از مردم به من گفتند تا اموالی را برای امام از آنان تحویل بگیرم؛ من امتناع کرده و ضمن نامه‌ای کسب تکلیف کردم پاسخ چنین آمد که: محمد بن جعفر در ری است اموال را به او بدهید او در شمار افراد مورد اعتماد ماست. (شیخ طوسی، ۱۳۸۷: ۴۱۵)

یاقوت حموی آغاز تشیع در ری را مربوط به سال‌های حاکمیت ابوالحسن مادرانی می‌داند. (حموی، ج ۳: ۱۲۱) اما بر اساس منابع موجود و آنچه گذشت این دوره را باید آغاز گسترش تشیع در ری دانست نه صرفاً از آن (جعفریان، ۱۳۷۱: ۲۳). ری و طبرستان دو مرکز مهم استقرار علویان در ایران است. مهاجرت علویان از اواخر قرن دوم هجری به سوی طبرستان آغاز شده اما دامنه این مهاجرت در قرن سوم روبه گسترش نهاده است به نوشته مرعشی «... سادات از آوازه ولایت و عهدنامه مأمون که بر حضرت امامت پناهی داده بود روی بدین طرف نهادند و او را بیست‌ویک برادر دیگر بودند این مجموع برادران و بنو اعمام از سادات حسینی و حسنی به ولایت ری و عراق عجم رسیدند». (مرعشی، ۱۳۶۳: ۲۷۷-۲۷۸) وی می‌افزاید: «پس از رسیدن خبر شهادت علی بن موسی‌الرضا علیه السلام آن‌ها پراکنده و در کوهستان دیلمستان و طبرستان شده‌اند.» (همان) یکی از این برادران باید حمزه بن موسی بن جعفر علیه السلام باشد که قبر وی در ری بوده و حضرت عبدالعظیم به زیارت آن می‌رفته است. سادات به‌طور عموم شیعه اعم از امامی و زیدی بوده‌اند و جز آنکه گاهی به‌صورت تقیبه زندگی می‌کردند اما در عین حال مدافع فضایل اهل‌بیت بوده‌اند. سادات فراوانی که در ری می‌زیستند به‌طور طبیعی زندگی آرامی داشتند مگر آنکه برخی از کسانی که تفکر زیدی داشتند به نحوی سر به قیام برداشته و دچار مشکل می‌شدند. علویان ری در تمامی منطقه خوش‌نام بوده و به جهت انتساب به رسول‌الله مورد احترام فراوانی بودند. به عبارت دیگر مردم آنان را به‌عنوان پناهگاه خود در برابر ستم خلفای عباسی و امیران وابسته به آن‌ها می‌دانستند. (جعفریان: ۳۱-۳۰) ارتباط ری با طبرستان از دو سوی تأثیر و تأثر متقابل شیعی را بر ری و نواحی اطراف آن نظیر قصران در پی داشت. از آنجاکه حاکم طبرستان بر مذهب زیدیه بودند، تفکرات شیعی زیدی در نواحی شمال ری و نیز خود ری وجود داشت. نزدیکی شهر قم با ری نیز موجد تفکرات شیعی امامی بود. ابن طباطبا، تعداد زیادی از شخصیت‌های علوی و خاندان‌های آنان را که در ری ساکن شده‌اند آورده است. وی خود تا اواخر قرن پنجم در قید حیات بوده و این افراد تا آن زمان در ری بوده‌اند. طبعاً هرکدام خاندانی از خود داشته و برخی از آن‌ها شهرت زیادی نیز داشته‌اند. مقایسه آماری که درباره علویان ساکن ری توسط ابن طباطبا نقل شده با اطلاعاتی که همو درباره برخی دیگر از شهرها داده است، نشان از کثرت این مهاجران علوی دارد. قبل از ری، طبرستان قرار دارد که خود منطقه نسبتاً بزرگ است و با یادآوری نام و نسب آن‌ها و نیز ذکر محلی که قبلاً ساکن آن بوده و بعداً به ری آمده‌اند اطلاعات مفیدی را در اختیار ما نهاده است. این فهرست شامل بیش از ۶۵ نفر علوی سرشناس است که



برخی از سادات حسنی و برخی از سادات حسینی هستند. (ابن طباطبای، ۱۳۷۷: ۱۶۷-۱۵۱) ری در دوره آل بویه یکی از مهم‌ترین مراکز اقتدار سیاسی آنان و نیز یکی از شهرهای مهم فرهنگی ایران به شمار می‌آمد مجد الدوله تا سال ۴۲۱ که سلطان محمود غزنوی ری را از تصرف آل بویه خارج کرد، حکمران ری بود. بدین ترتیب حکومت هشتادساله آل بویه بر ری با ملاحظه گرایش‌های شیعی آل بویه و وزرای آنان باعث ترویج گسترده تشیع در این شهر شد. صاحب بن عباد وزیر دانشمند و قدرتمند آل بویه بی‌نهایت علاقه‌مند به خاندان نبوت بود و بیش از نیمی از اشعارش در ستایش اهل بیت علیهم‌السلام است. او با کنار گذاشتن مخالفان اهل بیت و نزدیک کردن شیعیان و معتزلیان فضای مذهبی ری را تغییر داد. مقدسی از حنابله‌ای در قرن چهارم گزارش داده اما پس از این شاهدیم که اثری از حنابله که نوعاً تندروترین سنیان در برخورد با شیعه بودند یافت نشده و جز شافعی و حنفی از مذاهب اهل سنت چیزی در ری باقی نمانده است. (جعفریان، ۱۳۷۱: ۳۵) از جمله آثار شیعه در دوره آل بویه کتابخانه‌ها و مدارس زیادی بوده که بخشی از آن‌ها به دست سلطان محمود غزنوی که در تسنن و جبری‌گری تعصب خاصی داشت از میان رفت. با این حال این اقدامات به هیچ‌روی باعث ضعف تشیع در ری نگردید. یکی از آثار تشیع در دوره بویه‌یان نضح‌گیری طبقه فرهیخته‌ای از شیعیان ری بود که ضمن دخالت در حکومت در نگارش آثار علمی نیز توانایی چشمگیر داشتند. یکی از این چهره‌ها ابو سعد آبی است که مدت‌زمانی وزارت مجد الدوله بویه‌ای را در اختیار داشت و در سال ۴۲۱ هجری درگذشت. او از شاگردان شیخ صدوق علیه‌الرحمه بوده و از وزرای امامی مذهب دولت بویه‌یان به شمار می‌آمده است. مهم‌ترین اثر وی کتاب «بارزش» «نثر الدر» است این کتاب نشانگر عمق اعتقاد شیعی این وزیر و درعین حال روحیه تسامح وی بوده و دانش ادبی و مطالعات گسترده او را نشان می‌دهد. وی کتابی نیز در تاریخ ری داشته که تا قرن‌ها پس از وی در دست بود اما اکنون اثری از آن نیست. (جعفریان: ۳۶-۳۷) وجود خاندان‌های اصیل شیعی در ری که نسل‌اندرونسل از عالمان بوده‌اند یکی از دلایل گسترش تشیع در این شهر است. از پایدارترین این خاندان‌های شیعی که ابتدا در قم و پس‌از آن در ری می‌زیستند، خاندان بابویه است. گویا نخستین فرد آن علی بن حسین بن موسی بن بابویه است که در قم می‌زیسته است. وی که پدر شیخ صدوق است، در قم می‌زیست اما به ری نیز رفت و آمد داشت. از شهید ثانی نقل شده که وی در ری مناظره‌ای با محمد بن مقاتل رازی در باب امامت داشت. که باعث شیعه شدن محمد بن مقاتل شده است. (موسوی خوانساری، ۱۳۹۰، ج ۴: ۲۷۵)

فرزند وی شیخ صدوق است که در قم متولد و پس از سال ۳۴۷ در ری مقیم گردید. وی مسافرت‌های فراوانی به نقاط مختلف داشته و هدفش گردآوری احادیث و اخبار اهل بیت علیهم‌السلام و فقه آل محمد بوده است. (شیخ صدوق، ۱۴۱۸: ۱۷-۲۵). بابویه با آل بویه ارتباط نزدیکی داشته‌اند. شیخ صدوق کتاب عیون اخبار الرضا را به صاحب بن عباد تقدیم کرده و دلیل آن را علاقه صاحب بن عباد به اهل بیت، تمسک به ولایت آنان و اعتقاد به وجوب اطاعت و قول به امامت آن‌ها و احسان به شیعیان آنان می‌داند. (ابن بابویه، ۱۴۰۴، ج ۱: ۲) برادر شیخ صدوق، حسین بن علی است که کتابی در نفی تشبیه نگاشته و کتاب را به صاحب بن عباد تقدیم کرده است. (عسقلانی، ۱۴۰۷، ج ۲: ۳۰۶) خاندان بابویه تا اواخر قرن ششم شناخته شده‌اند. آخرین آنان شیخ منتخب الدین، صاحب

الفهرست و برخی از آثار دیگر است که خود نیز به نام ابن بابویه شناخته می‌شده است. عالمان مشهور ری از شیعه نیز ملقب به رازی هستند که یکی از مشهورترین آن‌ها «ابوجعفر ابن قبه رازی» است. وی مؤلف کتاب الانصاف فی الامامه و المستثبت فی الامه می‌باشد و در ری می‌زیسته است. (نجاشی، ۱۳۷۴: ۳۷۶)

در مجموع باید با ملاحظه مهاجرت آل بابویه به ری یکی از دلایل تشیع این شهر را نزدیکی آن شهر با قم دانست. سامانیان و پس از آن‌ها غزنویان هر دو حکومت‌های ضد شیعی بودند. سخت‌گیری سلطان غزنوی بر شیعیان اثر چندانی در کاهش نفوذ شیعه در ری نداشت زیرا شیعیان جدای از آن‌که از نظر جمعیت تعداد فراوانی داشتند از حیث فرهنگی نیز صاحب چهره‌های سرشناس و پرجاذبه‌ای بودند چنین جریانی را با یک حمله نظامی موقتی نمی‌شد از پای درآورد. با وجود فشارهای چندی که در آغاز عهد سلجوقی بر شیعیان رفته نمی‌توان پذیرفت که در ری ضربه قابل‌توجهی بر شیعه وارد آمده باشد این فشارها به‌مرور کاسته شده و به‌علاوه تا حدودی راه اسماعیلیه از امامیه جدا شد. خود امامیه نیز در این جدایی نقش مهمی داشته است و حتی در دفع اسماعیلیه و مباحثات علمی با آن‌ها و ردیه نویسی علیه آنان شرکت می‌جستند. بدین ترتیب برای شخصی چون نظام الملک که تعصب در تسنن شافعی داشت برخی از شخصیت‌های شیعی مورد احترام بودند. (قزوینی رازی، ۱۴۰۰: ۱۴۲-۱۴۵)

کتاب نقض نیز حاوی غنی‌ترین اطلاعات و به عبارتی اطلاعات منحصره‌فرد درباره وضعیت مذهبی ری می‌باشد که از جمله اشاره به محلات شیعه‌نشین ری کرده است. دو محله مهم شیعه‌نشین در ری مصلح گاه و زاد مهران بوده‌اند از مدارس شیعی نیز نام برده شده است که از جمله آن‌ها مدرسه بزرگ سید تاج‌الدین محمد کیسکی، مدرسه شمس الاسلام حسکا بابویه، مدرسه فقیه علی جاسبی، مدرسه خواجه عبدالجبار مفید، مدرسه خواجه‌امام رشید رازی و مدرسه شیخ حیدر مکی را می‌توان نام برد. (قزوینی رازی، ۱۴۰۰: ۱۴۲-۱۴۵)

۳- مرقد حضرت عبدالعظیم حسنی

حضرت عبدالعظیم معروف به «سیدالکریم» و کنیه‌ی «ابوالقاسم» فرزند عبدالله می‌باشد و نسب او با چهار واسطه به امام حسن علیه السلام می‌رسد بدین نحو: عبدالعظیم بن علی بن حسن بن الامیر بن زید بن امام حسن مجتبی علیه السلام. (آقابزرگ تهرانی، ۱۴۰۳، ج ۵: ۵۲) جده‌ی مادری او «لبابه» از بنی‌هاشم و دختر عبدالله بن عباس بن عبدالمطلب است. او در ابتدا همسر حضرت ابوالفضل العباس علیه السلام بود که از او عبیدالله به دنیا آمد و پس از شهادت آن حضرت به همسری زید بن حسن درآمد و از ایشان حسن الامیر به دنیا آمد. والد ماجد حضرت عبدالعظیم علیه السلام در زمان جدش حسن بن زید متولد شد و چون پدرش علی بن حسن در زندان منصور درگذشت کفالت او به عهده‌ی جدش قرار گرفت. عبدالله هنگامی‌که در رحم مادر قرار داشت پدرش از دنیا رفت و او هرگز روی پدر را ندید و به همین علت حسن بن زید نسبت به عبدالله اظهار علاقه می‌کرد و در تربیت او می‌کوشید. (فقیه محمدی جلالی، ۱۳۷۹: ۷۰) درباره زندگی عبدالله اطلاعات جامع و مفصلی در دست نیست علمای انساب در کتب خود از وی نام برده‌اند ولیکن به ذکر مختصری از زندگی او اکتفا کرده‌اند. عبدالله پدر حضرت عبدالعظیم



غیر از وی دارای هشت پسر به نام‌های احمد، قاسم، حسن، محمد، ابراهیم، علی‌اکبر علی‌اصغر و زید بوده است که از شرح زندگی آن‌ها اطلاع دقیقی در دست نیست. (قمی، ۱۳۹۰، ج ۱: ۱۷۹)

از تاریخ تولد حضرت عبدالعظیم علیه السلام اطلاع درستی در دست نیست. مورخان از سال ورود آن حضرت به ری و این‌که آیا وی به مرگ طبیعی از دنیا رفته و یا به شهادت رسیده است اخبار دقیقی نقل نکرده‌اند و هریک قولی را برگزیده‌اند و درباره تاریخ تولد و وفات یا شهادت او کمتر سخن به میان آورده‌اند اما دانشمند فرزانه جناب شیخ آقابزرگ تهرانی با تحقیقات فراوان در کتاب خود تاریخ تولد و وفات آن حضرت را به دست آورده است. (آقابزرگ تهرانی، ۱۴۰۳، ج ۷: ۱۶۹) ایشان در کتاب «الذریعه الی تصانیف اهل الشیعه» از کتابی به نام «الخصائص العظیمه» در شرح زندگی حضرت عبدالعظیم علیه السلام نام می‌برد و نویسنده آن کتاب را شیخ جواد بن مهدی لاریجانی متوفای سوم جمادی‌الثانی ۱۳۵۵ ه. ق معرفی می‌کند و می‌گوید: «این نویسنده کتاب دیگری به نام نورالافاق لشهاب الانهار النفاق دارد که این کتاب در سال ۱۳۴۴ ه. ق به چاپ رسیده است» و در این کتاب از کتاب الخصائص العظیمه نقل کرده است که ولادت آن حضرت چهارم ربیع‌الثانی به سال ۱۷۳ هجری در مدینه واقع شده و آن بزرگوار در روز جمعه پانزدهم شوال ۲۵۲ ه. ق در شهرری وفات یافته است. (آقابزرگ تهرانی، ۱۴۰۳، ج ۷: ۱۶۹) همچنین مرحوم سید مهدی حسینی تفرشی ملقب به بدایع‌نگار در کتاب خود به نقل از کتاب «نزه الا برار» سید موسی شافعی و مناقب المعبره احمد بن محمد بن فهد حلی سمهودی و تاریخ نورالدین محمد السمهودی درباره تولد و وفات حضرت عبدالعظیم علیه السلام چنین می‌نویسد: «ولادت آن حضرت در روز پنج‌شنبه چهارم ربیع‌الثانی سال ۱۷۳ ه. ق در مدینه و وفاتش در شهرری مطابق با ۱۵ شوال سال ۲۵۲ ه. ق بوده است.» (الحسنی التفرشی، ۱۳۱۹: ۳۹)

بنابراین حضرت عبدالعظیم علیه السلام ۷۹ سال عمر کرده است. وی در زمان امامت موسی بن جعفر به دنیا آمده و ده سال از عمر خود را در عصر امام هفتم گذرانده است اما به علت قلت سن نتوانسته است به حضور امام رسیده و به‌عنوان شاگرد یا صحابی او مطرح گردد ولی روزگار امام رضا علیه السلام را درک نموده و با واسطه از محضر ایشان کسب فیض و علم کرده و احادیثی هم از امام هشتم روایت کرده است. در زمان امام جواد علیه السلام و امام هادی علیه السلام هم به‌طور مستقیم از آن‌ها کسب علم و دانش نموده و از یاران و اصحاب آنان محسوب می‌شود. بدین ترتیب حضرت عبدالعظیم علیه السلام با چهار امام معصوم هم‌عصر بوده و توانسته است اخبار و احادیث و معارف اسلام را از خاندان وحی فرا بگیرد و در پخش و نشر فرهنگ ناب اهل بیت علیهم السلام و آگاهی دادن به پیروان خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله نقش فعالی ایفا کند. (فقیه محمدی جلالی، ۱۳۷۹: ۷۸)

صاحب بن عباد در مورد هجرت حضرت عبدالعظیم علیه السلام به شهرری می‌نویسد: «حضرت عبدالعظیم حسنی علیه السلام از حکومت زمان خود در هراس و مورد تهدید بود و به همین دلیل وطن خود را ترک کرد و به‌طور ناشناس از این شهر به آن شهر می‌گریخت تا این‌که وارد شهرری شد و در محله‌ی «ساربانان» در خانه‌یکی از شیعیان در «کوی بردگان» ساکن گردید و به عبادت پروردگار مشغول شد. وی روزها را در «سرداب» خانه به سر می‌برد و روزه می‌گرفت و شب‌ها را به نماز و مناجات می‌گذراند و گاهی هم به‌صورت ناشناس از خانه بیرون می‌آمد و قبری را که اکنون مقابل قبر اوست زیارت می‌کرد و میان خانه‌ای که وی در آن زندگی می‌کرد تا آن قبر راهی باز شده بود. عبدالعظیم علیه السلام

درباره‌ی صاحب آن قبر می‌گفت: این قبر یکی از فرزندان موسی بن جعفر علیه السلام است پس از این مرحله طولی نکشید که خبر آمدن عبدالعظیم به آن شهر به گوش شیعیان رسید و دوستان و علاقه‌مندان به اهل بیت از وضع او مطلع شده و بیشتر با او آشنا شدند و ارتباط و رفت‌وآمد برقرار کردند و از علم و دانش او بهره‌مند می‌شدند. در همان روزها یکی از شیعیان در خواب دید که رسول خدا به او اطلاع می‌دهد به زودی مردی از خانواده من در محله «ساربانان» از دنیا خواهد رفت و در باغ «عبدالجبار» نزدیک درخت سیبی به خاک سپرده خواهد شد. آن مرد وقتی از خواب بیدار شد برای خریداری آن باغ‌راهی خانه صاحب باغ شد و جریان خواب خود و مطلب رسول خدا را با وی در میان گذاشت و منظور خود را از خریداری باغ بیان کرد. صاحب نیز اظهار داشت اتفاقاً من هم چنین خوابی دیده‌ام و اکنون خود تصمیم دارم باغ را برای افراد شریف و نیز برای شیعیان وقف کنم تا آنان اموات خود را در زمین آن دفن کنند. سرانجام پس از آن خواب و وقف زمین باغ حضرت عبدالعظیم علیه السلام از دنیا رفت و در جای آن باغ که اکنون بقعه و بارگاه وی قرار دارد به خاک سپرده شد. «نوری طبرسی، ۱۳۶۹: ۶۶۹؛ قمی، ۱۳۸۴: ۱۲۱؛ ادیب اصفهانی، ۱۳۸۵: ۱۷۵) حضرت عبدالعظیم علیه السلام دو کتاب به رشته تحریر درآورده‌اند «خطب امیر المومنین علیه السلام» و کتاب «یوم و لیله». (فقیه محمدی جلالی، ۱۳۷۹: ۸۵) حضرت عبدالعظیم علیه السلام تقریباً در سال ۲۵۰ ه. ق به امر امام علی النقی علیه السلام از سامرا هجرت نموده و متوجه ایران شد. مورخان و علمای رجال در علت هجرت آن حضرت اختلاف کرده‌اند اما مهم‌ترین علتی که به نظر می‌رسد موجب هجرت بوده است، ترس از خلفای جور بوده است که به آزار و اذیت اولاد علی علیه السلام و سادات عظام می‌پرداخته‌اند اما علت انتخاب شهرری توسط حضرت عبدالعظیم علیه السلام را احتمالاً باید این دانست که ایشان از طرف امام هادی علیه السلام نایب و وکیل در امور دینی و ابلاغ احکام شرعی در ری بودند زیرا زمینه مناسب و جاذبه خاص این شهر و نیاز جامعه شیعه برای هدایت و رهبری این امر را ایجاد می‌کرد. به نظر می‌رسد با توجه به این زمینه مساعد شیعی و انقلابی و نیاز مردم این منطقه به هدایت و رهبری بوده است که حضرت عبدالعظیم علیه السلام برای پرورش این حرکت‌های شیعی و انقلابی و تقویت استعداد‌های پاک اسلامی و فرار از دست خلفای جور به‌عنوان وکیل امام هادی علیه السلام وارد این شهر شد و آنجا را به‌عنوان پایگاه تبلیغ و مبارزه برای سکونت و فعالیت خود انتخاب کرد. ملا باقر مازندرانی در کتاب روح و ریحان که درباره زندگانی و حالات حضرت عبدالعظیم علیه السلام نگاشته است این معنا را بیشتر تأیید و تقویت می‌کند وی می‌نویسد: «دلیل دیگر برای این نظریه تشویق و تأکید خود امام هادی علیه السلام است که به حماد رازی می‌فرماید مشکلات دینی خود را از عبدالعظیم حسنی بپرس. همچنین ترغیب نمودن اشخاص به زیارت حضرت عبدالعظیم علیه السلام که عمدتاً به‌منظور تقویت و تشکیل پایگاه تبلیغ تشیع به‌عمل آمده است.» (واعظ طهرانی، ۱۳۸۲: ۳۲۸) بعد از وفات حضرت عبدالعظیم علیه السلام هنگامی که آن حضرت در باغ عبدالجبار بن عبدالوهاب که از ساکنین شهرری بود به خاک سپردند، مشتاقان به اهل بیت علیهم السلام به زیارت وی نائل می‌شدند. شیخ ابوجعفر صدوق در کتاب من لایحضره الفقیه از گورستانی که حضرت عبدالعظیم علیه السلام در آن به خاک سپرده شده به مقابر شجره یاد میکند. لذا معلوم می‌شود که این مقبره معروف بوده است. از روایت امام هادی علیه السلام هم معلوم می‌شود که قبر مبارک حضرت عبدالعظیم علیه السلام در آن زمان در شهرری مشهور بوده و دوستان و شیعیان اهل بیت به زیارت آن می‌رفته‌اند. به‌طور قطع مشخص نیست که در چه



زمانی بر روی قبر مطهر حضرت عبدالعظیم علیه السلام گنبدی نهاده شد ولی با توجه به منابع موجود و این که قبر حضرت عبدالعظیم علیه السلام در زمان امام هادی علیه السلام مورد توجه و عنایت شیعیان قرار داشته است می توان گفت که بنای آن در مسجد شجره ری در بدو وفات آن حضرت صورت گرفته است زیرا اکثریت مورخان وجود مرزی را در سال ۲۵۲ ه. ق در ری ثبت نموده اند. (عماد زاده، ۱۳۹۳: ۳۸۳) پس از بنای اولیه در زمان حکومت آل بویه بر روی قبر شریف آن حضرت گنبدی ساخته شد آل بویه که از شیعیان و مروجان مذهب شیعه بودند در غرب و جنوب ایران و عراق سلطنت می کردند برای نخستین بار بر مزار حضرت عبدالعظیم علیه السلام بنایی ساختند و از آن بزرگوار تجلیل کردند. در مدخل حرم حضرت عبدالعظیم علیه السلام تابلویی بر دیوار نصب شده و در آن نوشته شده است:

«بر اثر بررسی کارشناسان روشن شده است که ساختمان نخستین بقعه مطهره در نیمه دوم قرن سوم هجری توسط محمد بن داعی علوی تعمیر اساسی یافت و درگاه این بنا نخست به امر پادشاهان آل بویه و سپس به همت مجد الملک قمی وزیر برکیارق در فواصل ۴۸۰ تا ۴۹۰ ه. ق متجاوز از نهمصد سال پیش آذین بند گردیده است». (فقیه محمدی جلالی، ۱۳۷۹: ۳۰۴) گنبدی که اکنون بر مزار قبر مبارک حضرت عبدالعظیم علیه السلام قرار دارد دارای قدمتی بیش از هزار سال است و یکی از قدیمی ترین ابنیه و آثار مذهبی در ایران و منطقه می باشد و قدمت آن از گنبد حضرت رضا علیه السلام که طبق اسناد و مدارک تاریخی در سال ۵۱۵ ه. ق ساخته شده است بیشتر می باشد. گنبد حضرت عبدالعظیم علیه السلام در زمان محمد بن زید داعی بنا شده و بعد در زمان آل بویه و سلجوقیان تعمیراتی در آن انجام گرفت بنای گنبد در آن زمان آجری بوده و در درون حرم کتیبه ها نیز با آجر نوشته شده بود که نمونه هایی از آن در حاشیه در ورودی دیده می شود. (فقیه محمدی جلالی، ۱۳۷۹: ۳۰۶) حرم حضرت عبدالعظیم علیه السلام به جهت مدفون بودن دو امام زاده در مجاورت آن دارای رواق ها و راهروهای متعددی است که به صورت زیبا و شکیل با آئینه و گچ بری و نماسازی به وسیله کاشی مزین گشته است. رواق شرقی حرم در عهد سلطنت شاه طهماسب صفوی در سال ۹۴۴ ه. ق ساخته شده و درب ورودی حرم مطهر را آنجا قرار داده اند. در قسمت جنوبی حرم مطهر حضرت عبدالعظیم علیه السلام یک راهروی باریک قرار دارد که آن را به حرم امام زاده حمزه متصل می کند. از فرابین و شواهد تاریخی معلوم می گردد که در قرون گذشته این دو حرم به هم ارتباط نداشته اند و کوچه ای میان آن دو فاصله بوده است دقیقاً معلوم نیست که از چه زمانی این ارتباط برقرار شده است ظاهراً در زمان صفویه این دو قبر را به هم متصل و راهرویی باز نموده اند.

رواق شمالی حرم: این رواق بین حرم مطهر و ایوان شمالی قرار دارد و اکنون راه ورود به حرم مطهر است وسط آن را نرده آهنی کشیده اند و از طرف راست آن مردان و از طرف چپ زنان عبور می کنند و به حرم مشرف می شوند معلوم نیست بنای این رواق در چه زمانی انجام گرفته است. در قسمت غربی حرم مطهر رواق بزرگی است که از آنجا به حرم امام زاده حمزه (رواق بین الحرمین) می روند این قسمت با پیوستن مقبره ناصرالدین شاه به آن رواق باشکوه و مجلی شده که با آئینه کاری تزیین یافته است. این رواق به حرم حضرت عبدالعظیم علیه السلام و رواق شمالی (رواق ابوالفتح رازی) راه دارد و اکنون در این مکان نماز جماعت خوانده می شود. اصل ساختمان آن در زمان قاجاریه انجام گرفته ولی تزیینات آن بعد از انقلاب اسلامی به عمل آمده است.

ایوان شمالی و مناره‌های روی آن: این ایوان در زمان قاجاریه توسط میرزا آقاخان نوری صدراعظم معروف ساخته شده و به صورت زیبایی آیین‌کاری شده است که در کتیبه زیر سقف ایوان به این موضوع اشاره شده است بعد از ساختن این ایوان در ورودی حرم از شرق به اینجا منتقل شد و هنوز هم در آنجا قرار دارد و مردم از این در به حرم مشرف می‌شوند. ارتفاع تقریبی ایوان از سطح صحن ۱۲/۵ متر است و دارای دو ستون سنگی کنده‌کاری شده به ارتفاع ده متر و هشت ستون کنده‌کاری به ارتفاع ۴/۸۰ متر هست در دو طرف ایوان شمالی دو مناره زیبا به ارتفاع ۱۶/۵ متر به چشم می‌خورد که روی آن را با کاشی‌های بسیار زیبایی گره‌ای مزین نموده‌اند این دو مناره که از مسافتهای دور مشاهده می‌شوند بر جلال و شکوه ظاهری این ایوان و روضه منوره حضرت عبدالعظیم علیه السلام افزوده‌اند. ساخت این دو مناره هم در زمان ناصرالدین‌شاه صورت گرفته است. (همان، ۳۱۴-۳۱۶)

۳-۱. صحن‌های حرم حضرت عبدالعظیم علیه السلام:

۳-۱-۱. صحن بزرگ: این صحن در قسمت شمالی حرم مطهر قرار دارد و امروزه محل تردد و ورود زائران می‌باشد این صحن در زمان ناصرالدین‌شاه ساخته شده است و از طرف شمال به بازار و از طرف جنوب به حرم مطهر حضرت عبدالعظیم علیه السلام و از طرف غرب به باغ طوطی و صحن غربی راه دارد و مدخل حرم حضرت عبدالعظیم علیه السلام و امامزاده طاهر می‌باشد. در بالای ایوان‌های کوچک، قصیده معروف محتشم کاشانی در رثای شهدای کربلا با خط نستعلیق در زمینه لاجوردی نوشته شده است در سر در ورودی از طرف بازار این عبارت با خط بزرگ بر روی کاشی نوشته شده است: «در زمان مرجعیت عامه رهبر انقلاب و بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران حضرت آیت‌الله‌العظمی خمینی متع الله المسلمین بطول بقاء وجوده الشریف حکومت ایران به جمهوری اسلامی با ۹۸/۲۲٪ در تاریخ ۱۲ و ۱۱ فروردین ماه سال ۱۳۵۸ ه.ش تبدیل شد.»

۳-۱-۲. صحن باغ طوطی: ۱ محل این صحن قبلاً مدرسه دینی بوده و طلاب علوم دینی در آن تحصیل می‌کرده‌اند. بانی مدرسه محمد ابراهیم امین‌السلطان بوده این مدرسه کتابخانه هم داشته و در یک نسخه تفسیر مجمع‌البیان که از طرف امین‌السلطان وقف این مدرسه شده بود و اکنون در کتابخانه حضرت عبدالعظیم علیه السلام می‌باشد به این موضوع تصریح شده است این مدرسه در تاریخ ۱۲۹۹ قمری دایر بوده و کتابخانه هم داشته است. در سال‌های

۱. باغ طوطی در صحن غربی بقعه حضرت عبدالعظیم علیه السلام در شهرری، مدفن بسیاری از بزرگان و مشاهیر است از جمله ستارخان (سردار ملی)، سید محمد کاشانی (فرزند سید ابوالقاسم کاشانی)، استاد سید علینقی امین، شیخ محمد رضا ربانی تربتی، شیخ محمد باقر کمره ای و دکتر محمد باقر نجفی. وجه تسمیه آن به مناسبت دفن شدن «طوطی» همسر سوگلی فتحعلیشاه قاجار در این قطعه از صحن حرم است. درباره ی هویت این سوگلی سرچان ملکم سفیر انگلستان در تهران چنین نوشته است: «یکی رقاچه جوان شیرازی به نام طوطی به اندرون شاه راه یافت طوطی به اقتضای شغلش در همان اوان جوانی به بعضی از محافل راه جست و به علت داشتن صدای خوش و صورتی زیبا به حرمسرای شاه معرفی شد و با هوش خداداد قلب شاه را به سوی خود جلب کرد و تا زمانی که زنده بود شاه به دیگران توجهی نداشت ولیکن این گل زیبا زود پر پر شد و دار فانی را وداع گفت فتحعلیشاه از این بابت فوق العاده غمگین و متأثر شد و جسد او را در حضرت عبدالعظیم علیه السلام در هفت کیلومتری پایتخت به خاک سپرد بعد از این واقعه رفت و آمد شاه به حضرت عبدالعظیم علیه السلام زیاد شد و مدتها با حالی محزون و غم زده در کنار قبر طوطی می نشست و به گذشته شیرین او فکر می کرد...» گفتنی است که نام باغ طوطی هم پس از انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ مانند بسیاری از اماکن دیگر عوض شد و اینک نام رسمی آن «صحن آیت الله کاشانی» است اما نام باغ طوطی هنوز هم برای آن به کار برده می شود و شهرت دارد.



بعد مدرسه تعطیل می‌گردد و حجره‌های آن تبدیل به مقبره می‌شود اعیان و اشراف و رجال سیاسی حجره‌ها را به مقبره‌های اختصاصی تبدیل می‌کنند و مردگان خود را در آنجا دفن می‌کنند. این صحن اکنون به صورت قبرستان می‌باشد و شخصیت‌هایی همچون ستارخان و... در آن دفن شده‌اند.

۳-۱-۳. صحن غربی: این صحن در قسمت غربی حرم مطهر قرار گرفته از طرف شمال به باغ طوطی و از طرف غرب به مدرسه علوم دینیّه جدیدالبنّا و از طرف شرق به اماکن متبرکه محدود است به دلیل قرار گرفتن قبر ناصرالدین‌شاه در این صحن سابقاً به آن صحن ناصری هم می‌گفتند ولی اکنون به نام صحن آیت‌الله کاشانی نام‌گذاری شده است. در بالای ایوان شرقی این صحن آیه شریفه «قل اللهم مالک الملک» تا آخر نوشته شده و پس از آن این عبارت آمده است: مضجع مرحوم مغفور مجاهد کبیر آیت‌الله‌العظمی حاج سید ابوالقاسم کاشانی و بعد از آن هم آیه «یولج اللیل فی النهار» آمده است. در قسمت شمالی صحن بزرگ مسجدی است که در سال ۱۲۴۳ ه. ق تعمیر شد و طرف جنوب به صحن مطهر و از شمال به مدرسه علمیه و از طرف غرب به بازار ارتباط دارد این مسجد دارای دو طبقه بوده که از طبقه زیرین آن در زمستان‌ها استفاده می‌شود. هم‌اکنون با طرح توسعه حرم توسط تولیت آن صحن‌های زیادی به حرم اضافه و احداث شده است که از جمله صحن امامزاده حمزه و صحن امامزاده طاهر، صحن مصلاّی شهرری می‌باشد. (همان: ۳۱۸-۳۱۶)

از عصر صفویه تا زمان معاصر تولیت آستان مقدس حضرت عبدالعظیم علیه السلام در دست فرزندان و اعقاب میر سید حسین خاتم‌المجتهدین بوده است حسین خاتم‌المجتهدین در زمان شاه‌طهماسب صفوی از جبل عامل لبنان به ایران آمد و مورد احترام شاه‌طهماسب قرار گرفت او به سمت متصدی امور شرعیّه اردوی شاه‌طهماسب منصوب شد و بعد از چندی با دختر محقق کرکی که از علمای بزرگ عصر خود و شیخ‌الاسلام ایران بود ازدواج کرد و به شهرت و موقعیت او افزوده شد و مقام ممتازی به دست آورد. بعد از مدتی شاه‌طهماسب صفوی او را به تولیت آستانه حضرت عبدالعظیم علیه السلام و حضرت فاطمه معصومه در قم و احمد بن موسی معروف به شاه‌چراغ در شیراز و امامزاده حسین قزوین معین کرد. بعد از درگذشت میر سید حسین خاتم‌المجتهدین، فرزندان او هرکدام در یکی از این مزارات متولی و مقام و منصب پدر را از حکومت وقت به دست می‌آوردند. نفوذ آنان در سراسر کشور گسترش یافت و چهار زیارتگاه بزرگ در دست این خاندان قرار داده شد. آخرین متولی از این خاندان در آستان حضرت عبدالعظیم علیه السلام مرحوم دکتر سید محمدعلی هدایتی فرزند مرحوم حاج سید احمد هدایتی بود که فرمان تولیتش را از سلطان زمان خود گرفته بود. در سال ۱۳۴۶ ه. ش دولت کلیه متولیان و متصدیان بقاع متبرکه و تعدادی از مساجد معروف ایران را که تولیت آن‌ها در دست خاندان‌های کهن بود و به‌طور موروثی این مقام را به دست می‌آوردند از کار برکنار کرد. در این هنگام تولیت حضرت عبدالعظیم علیه السلام نیز از مداخله منع شد. از آن تاریخ تا ظهور انقلاب اسلامی اداره اوقاف رسماً آستان مقدس حضرت عبدالعظیم علیه السلام را در اختیار گرفت و کارگزاران سابق را برکنار نمود. پس از انقلاب اسلامی به امر حضرت امام (ره) برای اداره امور آستان مقدس حضرت عبدالعظیم علیه السلام هیئت امنایی تعیین شد. این هیئت مرکب بود از چند نفر روحانی و معتمد محلی و یک نماینده از

طرف رهبر انقلاب اسلامی این هیئت کارهای اجرایی را به دست گرفت و مشغول کار شد. در سال ۱۳۶۹ حضرت آیت‌الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی، حجت‌الاسلام محمد محمدی ری‌شهری را به‌عنوان متولی آستان مقدس حضرت عبدالعظیم علیه السلام کردند. در زمان ایشان برنامه‌های توسعه حرم مطهر با طرح‌ها و نقشه‌های جامع و منظم شروع شد. (همان: ۳۲۳-۳۲۵)

۴. مرقد امامزاده حمزه

حمزه یکی از فرزندان امام موسی بن جعفر و مادر او بنا به قول ملا هاشم خراسانی ام احمد بوده است. بنابراین او برادر ابوبنی حضرت احمد بن موسی ملقب به شاه‌چراغ و محمد عابد علیه السلام می‌باشد. (فقیه محمدی جلالی، ۱۳۷۹: ۳۲۴) از تاریخ تولد یا وفات یا شهادت امامزاده حمزه اطلاع دقیقی در دست نیست ولی حدوداً سال وفات یا شهادت او را می‌توان ۲۰۴ ه.ق تخمین زد، زیرا اکثر علمای رجال و مورخان، تاریخ ورود ایشان به ایران و وفات آن حضرت را بین سال‌های ۲۰۱ تا ۲۰۴ ه.ق ثبت نموده‌اند. درباره مدفن امامزاده حمزه نیز بین علمای انساب و رجال و مورخان اختلاف نظر وجود دارد و محل دفن امامزاده حمزه را در شیراز، کاشمر، سیرجان و قم ذکر کرده‌اند. اما با بررسی دقیق منابع به احتمال قریب به یقین می‌توان قبر آن حضرت را در شهرری دانست. قدیمی‌ترین سندی که می‌توان بر مدفون بودن امامزاده حمزه در این مکان ارائه داد، رساله منسوب به صاحب بن عباد است که در احوال حضرت عبدالعظیم نوشته است و در آن مذکور است: «حضرت عبدالعظیم حسنی علیه السلام قبری را که الان مقابل قبر اوست زیارت می‌کرد و می‌فرمود: این قبر یکی از فرزندان امام موسی کاظم علیه السلام می‌باشد. (فقیه محمدی جلالی، ۱۳۷۹: ۳۶۰) دقیقاً نمی‌توان معلوم کرد که از چه زمانی برای مرقد مطهر امامزاده حمزه گنبد و حرم و ضریح بنیان نموده‌اند ولی مسلم است که حضرت عبدالعظیم علیه السلام در زمان اقامت خود در شهرری روزها قبری که الان در مقابل قبر اوست می‌رفته و اولین کسی است که مکان این قبر منور را زیارت و معرفی کرده است. بعدها اهالی متدین و مشتاق به خاندان اهل بیت به زیارت امامزاده حمزه می‌رفته‌اند تا این‌که اولین بار سلاطین صفویه که مدعی بودند از اولاد او هستند، در ایام سلطنت خود به آن قبر توجه جدی نمودند. (فقیه محمدی جلالی، ۱۳۷۹: ۳۷۳) بقعه امامزاده حمزه مشتمل بر حرمی به اندازه تقریبی و هیئت حرم حضرت عبدالعظیم است و همانند آن مزین به آیینه‌کاری و دارای ضریح نقره از اواسط دوران قاجاریه و صندوق چوبی تازه‌ساز می‌باشد و ایوان بزرگ شرقی و مسجد بالاسر در جانب غربی آن در جنوب غربی آستانه حضرت عبدالعظیم واقع است که به نظر می‌رسد از ابنیه دوران شاه‌طهماسب صفوی باشد» (فقیه محمدی جلالی، ۱۳۷۹: ۱۹۳) وی می‌نویسد: «گنبد امامزاده حمزه علیه السلام به دستور ناصرالدین‌شاه قاجار توسط فرخ‌خان در سال ۱۲۷۲ ه.ق ساخته شد و آیینه‌کاری حرم مطهر و ایوان آن به دست محمدخان معیر الممالک که فرزند دوست علی‌خان می‌باشد به سال ۱۲۹۱ ه.ق ساخته شد در سال ۱۲۷۳ ه.ق میرزا داود خان وزیر لشکر بانی ضریح نقره امامزاده حمزه گشت و تعمیر آن در سال ۱۲۸۳ ه.ق به امر ناصرالدین‌شاه قاجار توسط یحیی خان معتمد صورت گرفت.» (فقیه محمدی جلالی، ۱۳۷۹: ۱۶۱)



۵. مرقد امامزاده طاهر

از امامزادگان دیگری که در قسمت شمال شرقی صحن حضرت عبدالعظیم حسنی مدفون اند و بقعه و بارگاهی نیز دارند امامزاده طاهر است. امامزاده طاهر از احفاد امام سجاد علیه السلام می باشد و نسب شریف وی که با هشت واسطه به امام زین العابدین علیه السلام می رسد، بدین شرح است: طاهر بن محمد بن محمد بن حسن بن حسین عیسی بن یحیی بن حسین بن زید بن امام زین العابدین علیه السلام. قدیمی ترین مدرک و سندی که به مدفون بودن این امامزاده در شهرری و ورودش به این شهر اشاره می کند کتاب منتقله الطالبیه اثر علامه ابی اسماعیل ابراهیم بن ناصر ابن طباطبا از نسابه قرن ۵ هجری است که می نویسد: «از کسانی که وارد ری شدند جناب امامزاده طاهر فرزند ابی طاهر محمد مبرقع بن الحسن بن الحسین مبرقع بن عیسی بن یحیی بن الحسین بن زید الشهید است و تداوم نسل او از شخصی به نام «مطهر» است که نام مادرش زینب دختر ابی عماره بود.» درباره زندگی امامزاده طاهر هیچ گونه مدرک و مستندی که بتواند شخصیت والای آن حضرت را کاملاً معرفی کند در دست نیست و از کیفیت ورود و دلایل هجرت او و اولادش و خصوصیات دیگر وی در مدارک و مأخذ مربوطه سخنی به میان نیامده است. با قرائن موجود احتمال داده می شود که وی در نیمه نخست قرن چهارم هجری با پدر بزرگوارش محمد ابوطاهر به شهرری هجرت کرد و در آنجا ساکن شد. محمد شریف رازی در کتاب زندگانی حضرت عبدالعظیم علیه السلام امامزاده مطهر فرزند امامزاده طاهر را نیز مدفون در کنار قبر پدر می داند و استناد او به کتاب جنه النعیم است که صحت ندارد، زیرا مؤلف منتقله الطالبیه تنها به این نکته اشاره می کند که از امامزاده طاهر یک پسر به نام مطهر باقی مانده و مادرش زینب دختر ابی عماره است. این جمله بر مدفون بودن امامزاده مطهر در حرم حضرت عبدالعظیم علیه السلام و کنار قبر پدرش امامزاده طاهر دلالت ندارد. وی بقعه ای در حوالی تهران به نام «امامزاده مطهر» دارد. (فقیه محمدی جلالی، ۱۳۷۵: ۳۸۳-۳۸۰) بنای بقعه امامزاده طاهر در زمان ناصرالدین شاه قاجار و مظفرالدین شاه و به دستور ظل السلطان و به سعی رضا قلی خان معروف به سراج الملک در سال ۱۳۰۴ ه. ق شروع شد و تا سال ۱۳۲۰ ه. ق ادامه داشت. (فقیه محمدی جلالی، ۱۳۷۹: ۳۹۳؛ مصطفوی، ۱۳۷۵: ۱۶۱)

۶. مرقد امامزاده عبدالله

در ابتدای خیابان سه راه ورامین بقعه و بارگاه باشکوهی وجود دارد که متعلق به امامزاده جلیل القدر و عظیم الشان حضرت ابو عبدالله حسین بن عبدالله معروف به امامزاده عبدالله می باشد. نسب شریف این امامزاده با پنج واسطه به حضرت امام زین العابدین علی بن الحسین می رسد به این کیفیت: ابو عبدالله حسین بن عبدالله الابيض بن عباس بن عبدالله الشهید بن حسن الافطس بن علی الاصغر بن امام علی بن حسین بن زین العابدین علیه السلام. در اینکه مدفون در این بقعه عبدالله الابيض یا ابو عبدالله حسین است، میان علما و مورخان اختلاف می باشد. عده ای از مورخان معتقدند که مدفون در بقعه فعلی در ری عبدالله الابيض است اما این نکته از سوی مصطفوی مورد تردید واقع شده است. وی می نویسد: «بقعه امامزاده ابو عبدالله که به بقعه امامزاده عبدالله مشهور است

در جانب شمالی شهرری واقع است که به صورت زیبا و متناسبی ساخته شده است و به احتمال قوی تصور می‌رود ساختمان آن متعلق به قرن ۱۱ هجری باشند». مصطفوی، ۱۳۷۵: ۴۹۹)

۷. مرقد امامزاده هادی

کنار جاده قدیم شهرری به تهران و بالاتر از بقعه ابن بابویه و در وسط قبرستان بنایی ساده با گنبد عرق چینی وجود دارد که دارای نوشته‌ای قدیمی با کاشی معرق روی مرقد درون حرم است و حکایت از بنای بقعه به فرمان شاه‌طهماسب صفوی دارد. این بقعه را به نام مسجد ماشاءالله می‌خوانند. (فقیه محمدی جلالی، ۱۳۷۵: ۵۵۲-۵۵۱) نسب امامزاده هادی، هادی بن سرادین بن حضرت امام موسی کاظم علیه السلام نوشته شده و یقیناً این مطلب از کتاب بحر الانساب فاضل دربندی نقل شده که فاقد هرگونه ارزش تاریخی است زیرا مؤلف در کتاب مذکور بالغ بر سیصد فرزند با اسامی جعلی برای امام موسی کاظم شمارش نموده که بسیار قبیح است بر اساس منابع تاریخی نسب نامه امامزاده هادی چنین است: هادی بن احمد (ابوالقاسم) بم محمد (شهدائق ابوالقاسم) بن حمزه بن احمد بن عبیدالله بن محمد بن عبدالرحمن الشجری بن القاسم بن حسن بن زید بن الامام حسن علیه السلام در کنار امامزاده هادی مسجدی به نام ماشاءالله معروف به آدم کش قرار دارد که علامه نهایندی در کتاب راحه الروح داستان آن را نقل کرده است. (همان: ۵۵۱-۵۵۶)

۸. مرقد امامزاده ابوالحسن

در سه کیلومتری مغرب شهرری قریه آبادی به نام «آب اندرمان» وجود دارد و مردم تهران اعتقاد دارند که گل‌ولای آبی که در دو گودال این محل وجود دارد درمان بسیار مؤثری برای بیماری‌های جلدی مانند کهیر و سودا و غیره است اسم قریه ترکیبی از همین معنی را می‌رساند. یعنی سفارش ماندن اندر آب این قریه که برای برخی از بیماریها نافع است. بر روی یکی از زیارت‌نامه‌ها نسب مرقد چنین ذکر شده است: «...السلام علیک یا ابالحسن یا علی بن حسین بن عیسی بن محمد بن علی المدفون بالعریض بن جعفر الصادق». از روی یادگاری‌هایی که بر ضریح نوشته‌اند و بست‌های آن معلوم می‌شود ضریح مزبور در زمان ناصرالدین‌شاه ساخته شده است و پلاکی در بالای در ورودی ضریح دیده می‌شود که مهدی نام در ۱۳۱۶ شمسی آن را مانند اثری از نیاز و حاجتمندی خود در آنجا نصب کرده است. (مصطفوی، ۱۳۷۵: ۱۶۷-۱۶۵)

۹. بقعه سه دختران و دو برادران

دو بقعه کوچک به نام سه دختران و دو برادران در کرانه باغستان‌های شرقی شهرری فعلی است. (کریمان، ۱۳۵۴: ۴۰۳)

۱۰. بقعه بی‌بی شهربانو

در دامنه جنوبی کوهسار امین‌آباد در شمال شرقی شهرری بقعه متبرکه بسیار قدیمی وجود دارد که از سنگ و گچ ساخته شده و طاقهای مهمتر آن را با آجر زده‌اند آنچه از وضع ساختمان آن برمی‌آید هسته اصلی بنای مزبور در دوران ساسانی ساخته شده در قرن چهارم هجری برای آرامگاه مورد استفاده واقع و قسمتی به آن افزوده شده است و در ردیف مقابر کوهستانی دیگری که در خارج شهر باستانی ری می‌ساخته‌اند بوده است.

مرحوم استاد کریمان نظر برخی از مورخان و عوام را که به غلط بقعه‌ی بی‌بی شهربانو را مدفن دختر آخرین شهریار ساسانی، یزدگرد سوم و زوجه حضرت امام حسین علیه السلام می‌دانند رد کرده و اعتقاد دارد این بنا به حکم قرائن، پرستشگاه ناهید، فرشته زن زردشتیان و معبود زنان و دختران بوده است. (کریمان، ۱۳۵۵: ۲۳-۳۹) خانم مری بویس در مقاله‌ای تحت عنوان بی‌بی شهربانو و بانو پارس اعتقاد دارد از آنجاکه پرستش ناهید الهه آب‌ها و باروری در ایران باستان رواج تمام داشت و آداب آن در دربار هخامنشیان و هم در دوره ساسانیان اجرا می‌گشت و در زیر نفوذ دین یکتاپرستی اسلام، عبادت یک الهه، عملی نبود، نیایش به آنها ناهید منسوخ شد و توسل به زن ساسانی امام حسین علیه السلام جای آن را گرفت و بدین ترتیب بین وطن‌دوستی قدیم و دین جدید پیوندی افسانه‌ای برقرار شد. (بویس، ۱۳۴۶: ۱۳۷-۱۴۶)

۱۱. بقعه ابن بابویه

ابوجعفر محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی معروف به «ابن بابویه» و با لقب «شیخ صدوق» از عالمان بزرگ حدیث و رجال و فقه بوده و عنوان «رئیس المحدثین» را به او داده‌اند. (صادقی اردستانی، ۱۳۸۰: ۱۴۸) پدر وی ابوالحسن علی بن الحسین از بزرگان شیعه و مورد توجه و عنایت امام حسن عسگری علیه السلام بوده است و امام برای او دعا کرده بود که دارای اولاد صالح شود که محمد (ابن بابویه) نتیجه آن دعا بود. شیخ صدوق در قم به دنیا آمد. مدت بیست سال با پدرش زندگی کرد و از علم و دانش و تقوی او بهره گرفت. پس از درگذشت پدرش، برای افزودن علم خود و ملاقات با استادان بزرگ از سال ۳۳۹ ه. ق مسافرت‌های فراوانی به مراکز علمی در بلخ، بغداد، کوفه، مدینه و ... نمود و از علم ۲۲۱ استاد بزرگ بهره گرفت و سرانجام در اواخر عمر به دعوت و اصرار مردم شهرری در آن شهر سکونت اختیار کرد و از سراسر بلاد اسلامی عالمان و دانشمندان برای زیارت و استفاده از علم و فضیلت او به دیدارش می‌آمدند. ابن بابویه در سال ۳۸۱ ه. ق درگذشت. فوت او ضایعه‌ای بزرگ برای مردم شهرری بود آن‌ها بازارها و کار خود را تعطیل کرده و در تشییع جنازه، کفن و دفن او شرکت نمودند. بقعه مبارک وی در شهرری، نزدیک باغ طغرل قرار دارد. آن باغ را ناصرالدین‌شاه تأسیس نموده و طغرل بیگ سلجوقی قبلاً آن را از چشمه‌ی «پنج علی» سیراب می‌کرد و پرورش می‌داد و به این جهت آن باغ را باغ طغرل بیک گفته‌اند. (صادقی اردستانی، ۱۳۸۰: ۱۵۰)

۱۲. بقعه بی‌بی زبیده

یکی دیگر از بقاع موجود در شهرری که در اراضی حاجی‌آباد یا حسین‌آباد (کریمان، ۱۳۵۴: ۴۱۷) قرار دارد بقعه بی‌بی زبیده است. بنای اصلی حرم در حدود قرن نهم هجری ساخته شده و در اوایل عهد قاجاریه سرداب شرقی و غربی فعلی با دهلیز ورودی و اطاق مجاور آن در شمال بقعه اضافه گشته و رواق و ایوان هم به آن افزوده‌اند. بعدها هم در هر سه طرف دیگر حرم ایوان‌هایی ساده الحاق نموده و بقعه را به صورت کنونی درآورده‌اند. (فقیه محمدی جلالی، ۱۳۷۹: ۵۴۵) مرحوم استاد کریمان در کتاب ری باستان مفصلاً در این زمینه تحقیقاتی داشته است و نتیجه‌گیری کرده است که اگر در این مکان بانویی به نام زبیده مدفون شده باشد بی‌تردید وی زبیده خاتون دختر عم و زن ملک‌شاه، مادر برکیارق دختر یاقوت ابن داوود است که در ری حالتی کم‌وبیش مشابه سیده خاتون، زن فخرالدوله داشت و وی را به دستور مویدالملک زندانی و سپس خفه کردند. (همان: ۴۲۰)

۱۳. بقعه ابوالفتوح رازی

ابوالفتوح حسین بن علی بن محمد بن احمد الخزایی صاحب تفسیر معروف به «روضه جنان فی التفسیر القرآن» است که نخستین تفسیر فارسی شیعی است و جانب فقه در آن بسیار قوی است. وی از عالمان به نام شیعی‌مذهب نیمه دوم قرن پنجم و نیمه اول قرن ششم بود و نسبش به عبدالله بدیل بن وراق خزایی می‌رسد. سال فوت ابوالفتوح معلوم نیست علامه محمد قزوینی سال فوت وی را اواسط قرن ششم می‌داند و می‌نویسد: «به احتمال قوی ولادتش بین ۴۶۸-۴۶۷ و وفاتش در اواسط مائه سادسه وقوع یافت». (همان: ۴۲۹) مدفن ابوالفتوح رازی در سمت شرق بقعه‌ی حضرت عبدالعظیم علیه السلام و در اتاقی در صحن امامزاده حمزه قرار دارد. ابوالفتوح اصالتاً نیشابوری بوده است و مدت زیادی از عمر خود را در ری گذرانده و به وعظ و تبلیغ مشغول بوده است. (صادقی اردستانی، ۱۳۸۰: ۱۴۷)

۱۴. بقعه جوانمرد قصاب

این بقعه در فاصله یک کیلومتری در سوی مغرب جاده تهران به شهرری اندکی در شمال خط آهن فرعی کارخانه‌های گلیسیرین و سیمان واقع است. درباره احوال جوانمرد قصاب هیچ‌گونه ذکری در منابع نیامده است. ظاهراً در آن حدود که بقعه جوانمرد قصاب قرار دارد در زمان آبادانی ری سنی‌ها مقیم بوده‌اند و دروازه بلیسان آنجا واقع بوده و بازار و محله بلیسان از آن حدود آغاز میشده و آن نقطه را سر فلیسان می‌گفته‌اند. (کریمان، ۱۳۵۴: ۴۲۹-۴۲۸) داستان عامیانه آن را استاد مجتبی مینوی برای علامه قزوینی فرستاده است. (قزوینی، ۱۳۹۰: ۱۸۵) بقعه جوانمرد قصاب به صورت چهارضلعی بوده طول و عرض داخل آن هر طرف قریب شش متر است و در وسط آن سکوی مستطیلی به ارتفاع یک متر و طول دو متر و عرض یک متر قرار دارد که نرده‌ی آهنی بر چهار طرف بالای سکو و لوحه سنگی در وسط آن نصب نموده‌اند بر روی لوحه سنگی مزبور دو بیت به خط

نستعلیق برجسته نگاشته شده است که به زحمت خوانده می‌شود:
 جوانمرد قصاب این شیردل کمر بسته شیر یزدان بود
 مزارش که باشد بهشت برین زیارتگه اهل ایمان بود. « (مصطفوی، ۱۳۳۱: ۱۶۹-۱۶۸)
 بقعه و سنگ مزبور هر دو از آثار زمان فتحعلی‌شان می‌باشد و چیزی قدیمی‌تر از آن عجالتاً
 پدیدار نیست.



فصل نامه
 علمی
 مطالعات
 بافتار و
 امکان
 متبرکه

نتیجه گیری

شهر ری یکی از کهن‌ترین شهرهای جهان و ایران محسوب می‌شود که از نظر قدمت با نینوا و بابل هم‌عهد بوده است و از نظر عظمت هم در دوره باستان و هم در دوران اسلامی - قبل از حمله مغول - از مهم‌ترین شهرهای ایران به شمار می‌آمده است و شهرهای اندکی با آن قابل‌مقایسه هستند. نام ری در فصل اول وندیداد که از کتاب‌های پنج‌گانه اوستاست جزء شانزده سرزمین محل سکونت آریایی‌ها و به صورت «رغه» ذکر شده است. پهنه‌ی شهر ری از نظر قدمت به دو بخش قابل‌تقسیم است: ری باستانی که در جنوب چشمه‌علی میان باروی عظیمی که در دوران پیش از اسلام احداث شده بود قرار داشت که آن را «ری برین» یا «ری علیا» می‌گفته‌اند و به تدریج از سوی جنوب شرقی گسترش می‌یافته و پیش می‌رفته است و بخش دوم که روی آن احداث شده در قرون بعد است و در جنوب شرقی بخش نخستین و جنوب کوه بی‌بی شهربانو پی افکنده شده بود و آن را «ری زیرین» یا «ری سفلی» می‌نامیده‌اند. در دوره‌ی اسلامی هم جغرافیا نویسان متعددی که از ری دیدن کرده‌اند و شرح‌هایی درباره آن نوشته‌اند. تحول مذهبی در شهر ری یک تحول تدریجی بوده است که طی هفت قرن به درازا کشیده است. آنچه به‌عنوان تشیع اصیل در اواخر قرن دوم هجری در ری پدید آمد، ارتباط برخی از مردم و ساکنان ری با امامان شیعه علیهم‌السلام بود. نخستین روایتی که از این‌گونه تماس‌ها سخن گفته درباره ارتباط میان یکی از شیعیان ری با امام کاظم علیه‌السلام است. در عهد امام کاظم علیه‌السلام نظیر این قبیل نفوذها وجود داشته و در شمار یاران امام جواد علیه‌السلام نیز از افرادی چون محمد بن اسماعیل رازی از اهالی ری و منصور بن عباس رازی که در بغداد ساکن بوده است، نام برده شده است. از اصحاب امام هادی علیه‌السلام نیز افرادی ملقب به رازی بوده‌اند. یکی از چهره‌های شاخص اصحاب ائمه، حضرت عبدالعظیم حسنی است که در شمار اصحاب امام رضا، امام جواد و امام هادی علیهم‌السلام بوده و مورد تمجید فراوان قرار گرفته است. آمدن حضرت عبدالعظیم به ری هم نشانه وجود تشیع در این شهر بوده و هم خود زمینه‌ای برای رشد دعوت شیعی شده است. بعد از رحلت آن بزرگوار مزارش برای شیعیان مرکزیتی یافته و در جذب شیعیان دیگر نواحی به‌سوی ری مؤثر بوده است. به تدریج و پس از تحولات مذهبی، شهر ری، به‌عنوان یکی از مراکز مهم تشیع در ایران شناخته شد. این مسئله باعث شد تا مرقد تعداد زیادی از امام‌زادگان در این شهر باشد و به‌عنوان یکی از شهرهای مهم زیارتی در ایران تبدیل شود.

کتاب‌نامه

ابن اثیر، عزالدین (۱۴۰۷). **الکامل فی التاریخ**، تصحیح محمد یوسف دقاغه، بیروت: دارالکتب العلمیه.

ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی (۱۴۰۷). **لسان المیزان**، بیروت: دار الفکر.
ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۰۴). **عیون الاخبار الرضا**، تصحیح: حسین اعلمی، بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.

ابن طباطبای، ابی اسماعیل ابراهیم بن ناصر (۱۳۷۷). **منتقله الطالبیه**، قم: مکتبه الحیدریه، ۱۳۷۷
ادیب اصفهانی، عباس علی (۱۳۸۵). **هدیه العباد: در شرح حال صاحب بن عباد**، ویراستاران: علی بنائیان اصفهانی، نصرالله شاملی، اصفهان: سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان.

اسکافی، محمد بن عبدالله (۱۴۰۲). **المعیار و الموازنه فی فضایل الامام امیرالمومنین علی بن ابی طالب**، تحقیق شیخ محمدباقر محمودی، بیروت: مؤسسه فؤاد.

اعتماد السلطنه، محمد حسن خان (۱۳۶۳). **تطبیق لغات جغرافیایی قدیم و جدید ایران**، تصحیح میر هاشم محدث، تهران: امیر کبیر.

آقابرگ تهرانی، محمد محسن (۱۴۰۳). **الذریعه الی تصانیف الشیعه**، بیروت: دارالاضواء.
بلاذری، احمد بن یحیی (۱۳۶۴). **فتوح البلدان**، ترجمه آذر تاش آذرنوش، تصحیح علامه محمد

فرزان، تهران: انتشارات سروش.
بویس، ماری (۱۳۴۶). «بی بی شهربانو و بانو پارس»، مجله **بررسی های تاریخی** ترجمه حسن

جوادی، سال دوم، شماره ۴ و ۳، خرداد و تیر ۱۳۴۶، ص ۱۲۶ و ۱۳۵ تا ۱۳۷.
جعفریان، رسول (۱۳۷۱). **تاریخ گسترش تشیع در شهرری**، تهران: آستان مقدس حضرت عبدالعظیم.

جعفریان، رسول (۱۳۸۲). «تشیع در ری»، **مجموعه مقالات کنگره عبدالعظیم حسنی**، قم: دارالحدیث.

الحسنی التفرشی، مهدی ابن مصطفی (۱۳۱۹). **بدایع الانساب فی مدفن الاطیاب (مزارات)**، تهران: چاپخانه عالی.

خراسانی، محمد هاشم (۱۳۴۷). **منتخب التواریخ**، تهران: اسلامیه.
خندان، حمید (۱۳۷۳). **سیمای ری**، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.

دوبواز، نیلسون (۱۳۴۱). **تاریخ سیاسی پارت**، ترجمه علی اصغر حکمت، تهران: کتابخانه ابن سینا.
شاه عبدالعظیمی شریف رازی لاریجانی، جواد بن مهدی (۱۳۳۴). **نور الافاق و شهاب لأهل النفاق**،

تهران: مطبعه حاجی عبدالرحیم.
شیخ صدوق، محمد بن علی (۱۴۱۸). **معانی الاخبار**، قم: جامعه مدرسین.

شیخ طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۸). **غیبت**، ترجمه مجتبی عزیزی، قم: انتشارات مسجد مقدس جمکران.

صادقی اردستانی، احمد (۱۳۸۰). **زندگانی حضرت عبدالظیم**، تهران: انتشارات حافظ نوین.
عمادزاده، حسین (۱۳۹۳). **زندگانی چهارده معصوم**، تهران: طلوع.



- فقیه محمدی جلالی، محمد مهدی (۱۳۷۹). **امامزادگان ری: بررسی تاریخ وزندگانی امامزادگان شهرری، قم: موسسه فرهنگی انتشاراتی گرگان.**
- قزوینی رازی، نصیرالدین ابوالرشید عبدالجلیل (۱۴۰۰). **نقض: بعض مطالب النواصب فی نقض. تصحیح میرجلال الدین محدث، تهران: سفیر اردهال.**
- قمی، عباس (۱۳۹۰). **منتهی الامال، ویراسته کاظم عابدینی مطلق، تهران: مبین اندیشه.**
- قمی، عباس (۱۳۸۴). **سفینه البحار و مدینه الحکم و الآثار، مشهد: بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی.**
- کریمان، حسین (۱۳۵۴). **ری باستان، تهران: انتشارات دانشگاه ملی.**
- کریمان، حسین (۱۳۵۵). **تهران در گذشته و حال، تهران: انتشارات دانشگاه ملی.**
- کیانی، محمد یوسف (۱۳۷۴). **پایتخت‌های ایران، تهران: نشر میراث فرهنگی.**
- مصطفوی، محمدتقی (۱۳۷۵). **آثار تاریخی طهران: اماکن متبرکه، تنظیم و تصحیح، میرهاشم محدث، تهران: گروس.**
- میرزایی، زهرا و بادکوبه هزاوه، احمد (۱۳۹۴). «عوامل مؤثر در رونق و رسمیت یافتن تشیع در ری از امارت ابوالحسن مادرانی تا پایان حکومت آل بویه»، **فصلنامه شیعه شناسی، دوره ۱۳، شماره ۴۹ - شماره پیاپی ۴۹، تیر ۱۳۹۴، صفحه ۱۶۷-۱۸۶.**
- نجاشی، احمد بن علی (۱۳۷۴). **رجال النجاشی، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه.**
- نوری طبرسی، میرزا حسین (۱۳۶۹). **مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم: آل البیت.**